



قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

سیر ورود انسان به دنیا

شناسنامه مطلب	
t-153	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/نسبت به نظام آفرینش	رده
تغییر بینش، انسان، دنیا، سیر، تفکر، قوانین عالم	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

«وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (النحل: ۷۸)

«وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ»: و خدا خارج می‌کند شما را از بطون مادرانتان. این قسمت توجه به غیب دیگری است که با همین عالم رابطه دارد. عالم دیگر، عالم بطون مادران است. این مطالب چیزی نیست که فهم آن سخت باشد. با مختصر دقت، یک زیر بنای فکری بسیار محکم برای انسان ایجاد می‌کند.

بین آن عالم و این عالم چه ارتباط و پیوستگی وجود دارد؟ در عین حال که این دو عالم، مستقل اند و نظام مخصوص به خود دارند، هر آن چه را که در زندگی این عالم نیاز داریم، همگی در آن عالم قبلی ساخته شده است. اگر در عالم رحم مادر به ما می‌گفتند چشمت را مراقب باش که در این عالم خوب درست شود، چرا که اگر این ناقص باشد، تو کور می‌شوی و تمام وجود تو در عذاب است. این حرف‌ها برای آن جنین در شکم مادر، قابل درک نبود. تازه اگر علم خیلی پیشرفت کند و جنین این حرف را بفهمد که مواظب باش چشم داشته باشی، تازه نمی‌فهمد که چشم یعنی چه. چون دیدن، اصلاً در ظرفیت آن عالم نیست. دیدن مربوط به نظام بالاتری است. دیدن را نمی‌تواند بفهمد، اصلاً درک آن معنی در آن نظام، محال است. اگر هم به او توضیح بدهی که دیدن یعنی چه و بگویی مثلاً کوه که هزاران برابر توست، در این چشم جا می‌شود و تو آن کوه را می‌بینی و...، می‌گویی نه این اصلاً امکان ندارد. اگر کوه در این چشم جا شود که چشم من متلاشی می‌شود. اگر باز هم توضیح بدهی که دیدن واقعاً به معنای جاگرفتن کوه در چشم تو نیست، بلکه نوری وجود دارد که آن را به این چشم می‌آورد و آن باعث دیدن می‌شود. خواهد گفت: مشکل که بدتر شد. خود نور چیست؟! تازه اگر هم چنین چیزی که می‌گویدی، بشود، اصلاً دیدن یعنی چه؟

هر قدر هم بگویی که این دیدن چیزی جدای از تو نیست باز هم نخواهد فهمید. چرا که آن نظام با این نظام، کاملاً متفاوت است. اصلاً تضاد با نظام این عالم دارد. اما در عین حال، پیوستگی خیلی عجیبی دارد. آن قدر پیوستگی دارد که چشم باید در آن عالم ساخته شود و در این عالم استفاده شود. همه‌اش هم در خود شخص است.

چشم فقط يك مثال است. همه چیز مثل همین است. زبان برای درك مزه و خوردن و... بازهم در آن عالم غذای كودك از طریق خون مادر تغذیه می‌شود، اصلاً درك خون برای كودك معنا ندارد و... اما هرچه هست باید در آن عالم ساخته شود و هر چه شد، دیگر همان خواهد شد. اگر در آن جا، چیزی ناقص ساخته شود، این جا هم در زندگی به همان اندازه که ناقص شده از آن محروم است. و به همین ترتیب اعضای دیگر هم اینچنین است.

در این ساخته شدن، دو چیز بسیار مهم دخالت دارد:

۱. خون مادر (خون آن عالم) همواره حرکت می‌کند.

۲. مأمورینی از عالم ملکوت، آن مواد را می‌گیرند و از آن مواد که در داخل خون است، اعضای مختلف بدن را می‌سازند. آن دانشمندان دانش آفرین، آنها که خود علم، خود نور و خود قوه هستند. این ها مطالبی است که غیر از وحی، محال است منابع علوم دیگر بتوانند درك کنند.

این امام سجاد (ع) است که با توصیف خود، ملائکه را برای ما می‌فهماند و نقش و کارکرد هر يك از آنها را در عالم برای ما شرح می‌دهد. علوم ذهنی اگر بخواهند به این عالم پا بگذارند، پَرش می‌سوزد.

با قبول همه قوانین این عالم که مثلاً استخوان از کلسیم ساخته می‌شود و یا مغز از فسفر موجود در خون ساخته می‌شود و...، این مأمورین ملکوتی هستند که مهندسی آن را انجام می‌دهند و تمام دستگاه‌های ریزرِیز این بدن را آن مهندسین از گردش این مواد به شکل خون می‌گیرند و این ها را می‌سازند. وگرنه خون در حرکت خودش است. آنکه این ها را می‌گیرد و می‌سازد برای عالم بعد، آن مهندسین ملکوتی هستند.

با فهم این مطالب، تازه می‌فهمیم که این عالم، چقدر دقیق و حساب شده است؛ آن هم مرتبه به مرتبه. حتی بعد از این که به این عالم آمديم، (در دوره‌ی نوزادی) نه چشم می‌بیند و نه گوش می‌شنود و به عبارتی هنوز در زندگی این عالم نیستیم. در برزخی هستیم که آماده این عالم شویم. همچنانکه کار متخصص زیباست و بر مریض حکومت می‌کند، کار آن ملائکه‌ای که حافظ آن متخصص هستند نیز چه زیبا و لطیف است و حکومت می‌کند.

پس آن مأمور مربوطه در آن دوران کوتاه چنین چیزی [بدن انسان] را ساخت، در حالیکه هزاران سال است متخصصان در شناخت آن، پیش می‌روند، آن هم در يك رشته مثلاً چشم یا پوست و هنوز به پایان نرسیده‌اند.

آن جنینی که در آن عالم نمی‌فهمید، الان در این عالم، می‌فهمد که من کور مادرزادم یعنی چه. کوری چیزی بیرون از تو نیست، خودت هستی. مغزت قوی است یا ضعیف یا...؛ همه این‌ها در خود من است و کیست که این معنا را متوجه نشود؟ اصلاً فطرت با صراحت بیان می‌کند که وجودی که الان داری، همه در عالم دیگر ساخته شده است و زندگی بدون این بدن [که در عالم دیگر ساخته شده است] نمی‌شود.

«وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا»:

آن جا که این نظام خلقت را آفرید، در حالتی بود که تو را به خود آگاهی نداد. حتی لحظه تولد هم آگاهی نداد. حتی در برزخ این عالم هم آگاهی نداشتی. می‌ارزد روی این تفکر کند تا چیزی به دست آورد.

«وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»:

آماده برای رفتن به يك عالم بالاتر می‌شوی. ما برای تو يك سری ابزار شناخت بیشتر می‌دهیم. شنوایی و بینایی و افئده دادیم.

فؤاد: آن قسمت از انسان است که روح بوسیله آن مرکز می‌تواند حقایق این عالم را بفهمد.

ما این‌ها را به تو دادیم تا شما آماده بشوید برای آفرینشی کاملتر از این آفرینش. تازه این جا در دستگاه‌های ابتدایی‌اش هستیم و هنوز انسانی باشد و زندگی کند، نداریم. تازه رسیدیم به این مرحله که وارد کارگاهی شدیم.

نظام این عالم این است که باز هم این عالم، خونی دارد و لحظه‌ای ساکت نیست و این خون باز هم در آفرینش است و باز هم این مأمورین، مواد را می‌گیرند و می‌سازند که جنس آن به تناسب عالم بعدی است و این جا آمدیم تا آن را بسازیم و این آن قدر مهم است که نیاز به عالمی به این عظمت دارد که محافظ آن (محافظ برای دستگاهی است که ارزش آن بالاست و محافظ خودش ارزشی ندارد) این بدن است که این

پیچیدگی را دارد. پس محافظ آن شخصیت بالاتر، همین بدن به این پیچیدگی است که بعداً باید بیندازیم سطل آشغال، پس آن چه چیز است که باید در داخل این ظرف درست بشود؟!

خوب خون ما در این عالم چیست؟ خون ما که آن ملائکه مربوطه، مواد را از آن می‌گیرند و شخصیت عالم بعد را درست می‌کنند، اعمال انسان است. و در تسویه و تناسب آن با این جسم توضیح داده می‌شود.

کتاب فطرت- پایگاه ندای پاک فطرت